

The Scientific Authority of the Qur'an with Emphasis on the Thoughts of Rashid Reza's Qur'anic Studies

Sayyid Ali Akbar Hosseini Ramandi¹

Received: 18/03/2020

Accepted: 27/05/2020

Abstract

The scope of the scientific authority of the Qur'an and the determination of its boundaries is one of the most important principles of Qur'anic interpretation, and all the great commentators have considered this principle. There are three theories about the scope of the authority of the Qur'an: 1. The Qur'an expresses all the truths of the universe. 2. The Qur'an expresses the causes of the happiness of the Resurrection Day. 3. The Qur'an expresses the factors of happiness in this world and the Resurrection Day. The research method of the study is library-documentary and content analysis is descriptive and inferential. The objective of the present paper is to determine the scope of the scientific authority of the Qur'an with emphasis on the Rashid Reza's thoughts of Qur'anic studies. Rashid Reza, one of the pioneers of the movement to return to the Qur'an and the author of Tafsir al-Minar, like many commentators in his commentary, has analyzed and explained the scope of the scientific authority of the Qur'an and has examined the scope of the scientific authority of the Qur'an based on the Ayah 3 of surah Ma'ideh. He explains in Ayah 89 of Surah Nahl, 38 of Surah An'am and 9 of Surah Isra' how the Qur'an can express everything. Rashid Reza's perspective on the practical authority of the Qur'an is consistent with the third aforementioned theory and as a result, he believes that whatever is related to religion can be found in the Qur'an.

Keywords

The scientific authority of the Qur'an, the comprehensiveness of the Qur'an, the scope of the authority of the Qur'an, Rashid Reza, Tafsir al-Minar.

1. Assistant professor, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. a.hosseini@isca.ac.ir.

مرجعیت علمی قرآن با تأکید بر اندیشه‌های قرآن‌شناختی رشید رضا

سیدعلی اکبر حسینی رامندی*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۸

چکیده

گستره مرجعیت علمی قرآن و تعیین مرزهای آن از مهم‌ترین مبانی قرآن‌شناختی تفسیر است و کسی از مفسران سترگ از این مبنا غفلت نکرده است. در باب گستره مرجعیت قرآن سه نظریه ارائه شده است: ۱. قرآن بیانگر همه حقایق هستی است؛ ۲. قرآن بیانگر عوامل سعادت جهان آخرت است؛ ۳. قرآن بیان‌کننده عوامل سعادت دنیا و آخرت است. در این پژوهش که با روش کتابخانه‌ای - اسنادی و تحلیل محتوایی، توصیفی و استنباطی می‌باشد، هدف از موضوع پژوهشی پیش‌رو، تعیین گستره مرجعیت علمی قرآن با تأکید بر اندیشه‌های قرآن‌شناختی رشید رضا است. رشید رضا از پیشتانان نهضت بازگشت به قرآن و مؤلف تفسیر المنار، مانند بسیاری از مفسران در تفسیر خود به واکاوی و تبیین گستره مرجعیت علمی قرآن پرداخته و ذیل آیه سوم سوره مائده، گستره مرجعیت علمی قرآن را بررسی کرده است. وی با استناد به آیات ۸۹ نحل، ۳۸ انعام و ۹ اسراء توضیح می‌دهد قرآن چگونه می‌تواند بیانگر همه چیز باشد. نظر رشید رضا در باب مرجعیت عملی قرآنی با سومین نظریه پیش‌گفته سازگار است و در نتیجه وی بر این باور است که هر آن چه مربوط به شریعت است در قرآن یافت می‌شود.

کلیدواژه‌ها

مرجعیت علمی قرآن، جامعیت قرآن، گستره مرجعیت قرآن، رشید رضا، تفسیر المنار.

a.hoseini@isca.ac.ir

* استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

■ حسینی رامندی، سیدعلی اکبر. (۱۳۹۹). مرجعیت علمی قرآن با تأکید بر اندیشه‌های قرآن‌شناختی رشید رضا. فصلنامه مطالعات علوم قرآن، (۳)۲، صص ۳۶-۶۳.
Doi: 10.22081/jqss.2020.68905

آموزه‌های پرشمار قرآنی و روایی، آدمیان را به تلاوت، تفکر و فهم آیات قرآن فرامی‌خوانند و پیروی از دستورهای آن را از ملزومات تحقق آرمان‌های متعالی انسان می‌دانند. براساس آیات قرآنی، روایات معصومان : و برخی مبانی کلامی، از میان کتاب‌های آسمانی، قرآن تنها کتابی است که از تحریف مصون مانده است. قرآن خود را بیانگر همه چیز (نحل: ۸۹)، سرچشمه حیات (انفال: ۲۴)، هدایت و رستگاری (مانده: ۱۶) معرفی می‌کند و از انسان‌ها می‌خواهد تا پاسخ پرسش‌های خود را در آموزه‌های آن پی‌جویند و آلام خود را با آیه‌های آن التیام بخشند (یونس: ۵۷). با توجه به نقش بی‌بدیل قرآن در زندگی انسان‌ها، تعیین گستره آن را باید از مهم‌ترین مبانی روش‌شناختی تفسیر دانست. این مبانی تفسیری از سوی هیچ‌یک از مفسران مغفول نمانده است؛ هر چند شماری از آنان به بررسی مشروح مرجعیت قرآن نپرداخته‌اند. در باب گستره مرجعیت قرآن سه نظریه ارائه شده است: ۱. قرآن بیانگر همه دانش‌های بشری و رخدادهای جهان هستی است؛ ۲. قرآن فقط به سعادت جهان آخرت می‌پردازد؛ ۳. قرآن افزون بر سعادت اخروی، به سعادت زندگی دنیایی می‌پردازد. درباره مرجعیت قرآن، از سوی رشید رضا تبیینی سازگار با نظریه سوم ارائه شده است.

۱. پیشینه‌شناسی گستره مرجعیت علمی قرآن

مسئله گستره مرجعیت قرآن به آغاز نزول آن بازمی‌گردد؛ زیرا قرآن حاوی آیاتی است که با صراحت درباره گستره قرآن سخن گفته‌اند (نحل: ۸۹؛ انعام: ۳۸)؛ از این رو در تأملات مفسران و قرآن‌پژوهان، درباره این آیات، همواره گستره موضوعی مرجعیت قرآن مدار توجه قرار گرفته است (ر.ک: سیوطی، ۱۴۰۸ق، صص ۱۲-۱۶؛ طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۱، صص ۵۹-۶۰؛ طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، صص ۲۴۴ و ج ۶، صص ۲۰۹؛ طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۱۴، صص ۹۰؛ طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، صص ۳۵۳؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۴، صص ۳۳؛ زمخشری، ۱۴۱۷ق، ج ۲، صص ۲۱-۳۱، ۴۸۱ و ۵۱۶)؛ اما در جهان معاصر و تحولات پرشتاب و شگرف در حوزه دانش و تنوع فراوان عرصه‌های دانش، تعیین گستره مرجعیت علمی قرآن و نسبت آن با دانش‌های موجود، اهمیت و ضرورتی

بیش از پیش یافته است. کاوش‌های قرآن‌پژوهان در این باب به پیدایش آرای گوناگون درباره گستره مرجعیت علمی قرآن انجامیده است. با آغاز نهضت بازگشت به قرآن از سوی مصلحان مسلمان، پرسش‌های درباره قرآن فزونی یافت و ابعاد و ژرفای بیشتری پیدا کرد و گستره مرجعیت قرآن، بیش از گذشته مدار تأمل قرار گرفت. اهمیت و ضرورت این موضوع، از آن‌رو است که مفسران باید بدانند در قرآن، کدامین دانش را جستجو کنند و پاسخ کدامین پرسش از پرسش‌های فراروی بشر را از قرآن دریافت نمایند. پژوهش‌ها درباره این موضوع از دو منظر برون‌دینی و درون‌دینی انجام شده‌اند. پرسش درباره گستره علمی قرآن، افزون بر موضوعات، شامل گستره زمانی (جاودانگی) و گستره مکانی (جهان‌شمولی) نیز می‌شود.

در سال ۱۳۸۹ در کنفرانس بین‌المللی با نام قرآن و جامعه معاصر، مسئله «مرجعیت علمی قرآن» و نیز در کنگره علامه فضل‌الله و مرجعیت علمی قرآن در عراق و در سال ۱۳۹۶ در کنگره قرآن و علوم اسلامی، درباره آن، مقالاتی ارائه شد. در مقاله‌ای با نام «مرجعیت علمی قرآن کریم» تألیف محمدعلی رضایی اصفهانی، معنای مرجعیت علمی قرآن به اختصار و در چند سطر بیان شده است.

در مقاله‌ای با نام «رابطه مرجعیت علمی قرآن با جهان‌شمولی، جاودانگی و جامعیت قرآن» تألیف محمدحسن طوسی و عبدالرئوف عالمی، معنای لغوی و اصطلاحی «مرجعیت علمی قرآن» در چند بند، بیان شده است. در مقاله‌ای با نام «مرجعیت علمی قرآن در حوزه علوم انسانی»، تألیف عبدالرئوف عالمی، ضمن بیان معنای لغوی و اصطلاحی «مرجعیت علمی قرآن»، مرجعیت شماری از علوم انسانی در قرآن، مانند دانش تاریخ، انسان‌شناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، به اختصار بیان شده است.

در مقاله «مرجعیت علمی قرآن کریم در مطالعه نظام سیاسی با الگوی علم دینی آیت‌الله جوادی آملی»، اثر غلامرضا بهروزی لکک و محمدعلی قاسمی مرجعیت علمی قرآن با شش رویکرد، مفهوم‌شناسی شده و شش تعریف ارائه شده است.

در مقاله‌ای با نام «جایگاه مرجعیت علمی قرآن در حوزه علوم انسانی با رویکرد تربیتی»، اثر سیدرضا قوامی ماسوله، از مرجعیت علمی قرآن به «احاطه‌کنندگی معرفتی

قرآن» تعبیر شده است. این چند مقاله در کنگره بین‌المللی قرآن و علوم انسانی ارائه شده و در ضمن مجموعه مقالات روش‌شناسی قرآن و علوم انسانی منتشر شده است. تاکنون پژوهشی درباره گستره مرجعیت علمی قرآن با تأکید بر دیدگاه قرآن‌شناختی رشید رضا انجام نشده است.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. مرجعیت

واژه «مرجعیت» مصدر جعلی^۱ از «مرجع» (اسم مکان) از ماده «رجع» به معنای بازگشتن است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۴۱) و در منابع لغوی معانی ذیل برای واژه مرجع بیان شده است:

الف) صاحب نظری که برای نظرخواهی یا رفع مشکلات و پاسخ پرسش‌ها به او مراجعه می‌شود، مانند مرجع تقلید.

ب) منابعی که برای دسترسی به اطلاعات و آگاهی‌های به موضوعات گوناگون به آن مراجعه می‌کنند.

ج) واژه‌ای است که ضمیر به آن باز می‌گردد (انوری، ۱۳۸۱، ج ۷: ماده مرجع).

۲-۲. علمی

علم در معنای لغوی دارای عرصه‌های گسترده‌ای است و شامل هر نوع آگاهی و دانشی اعم از اسلامی، انسانی و تجربی می‌شود. مقصود از علم در این پژوهش، آگاهی سازمان‌یافته درباره موضوعات براساس فهم بشری است؛ در این آگاهی‌ها دو ویژگی نظام‌یافتگی و بشری‌بودن مدار توجه است.

۱. مصدر جعلی (صناعی = ساختگی) به کلمه‌ای که در اصل مصدر نباشد، بلکه به آخر اسم فارسی یا یا زبانی دیگر نشانه مصدری یدن - آندن - آیدن در آورند، مانند فهمیدن، بلعیدن، و نیز لغتی که از اضافه شدن یک اسم با «یت» درست شده باشد، مانند اسلامیت، انسانیت، آدمیت (دهخدا: ذیل واژه مصدر جعلی).

۲-۳. مرجعیت علمی قرآن

مرجعیت قرآن در معانی گوناگونی به کار رفته است. از سوی برخی اندیشمندان مسلمان مرجعیت قرآن در هفت سطح مطرح شده است: سطح نخست: بررسی موضوعی خاص مانند «انفاق» در قرآن (تفسیر موضوعی)؛ سطح دوم: تأثیر قرآن بر مطالعات پژوهشگران؛ سطح سوم: نقش آفرینی قرآن بر شکل دهی باورها؛ سطح چهارم: مرجعیت قرآن در مسائل اخلاق عملی و رفتارهای انسان؛ سطح پنجم: اعتبار و حجیت قرآن در تکالیف دینی؛ سطح ششم: مرجعیت قرآن در اعتبار و استناد گزاره‌های تاریخی؛ سطح هفتم: مرجعیت قرآن در رویکرد تمدنی.

مسئله مرجعیت قرآن به صورت عام از آغاز نزول قرآن مطرح بوده است. بی تردید قرآن منشأ پیدایش دانش‌های گوناگون و نیز موجب بسط و توسعه بسیاری از دانش‌ها بوده است؛ اما «مرجعیت علمی قرآن»، در اصطلاح رایج، از مباحث نوپدید در مطالعات قرآنی است که در دهه‌های اخیر، هم‌زمان با نهضت بازگشت به قرآن از سوی متفکران مسلمان مطرح و تعریف‌های پرشماری نیز برای آن ارائه شده است. در تعریف نخست، برخی قرآن را منبعی مورد اعتماد برای همه دانش‌های بشری دانسته‌اند که می‌توان، اهداف، مبانی، اصول و روش‌های دانش‌های بشری را از آن به دست آورد؛ چنان‌که می‌توان قرآن را معیاری برای اثبات و ابطال نظریه‌های گوناگون علمی به‌ویژه علوم انسانی دانست و نیز می‌توان، از رهگذر این منبع و حیاتی به جهت‌دهی دانش‌ها و نظریه‌پردازی مبتنی بر قرآن پرداخت. براساس این تعریف قرآن منبع و منشأ تحوّل علوم خواهد بود. در دومین تعریف، مرجعیت علمی قرآن به معنای حاکمیت الزامات قرآنی بر همه دانش‌های بشری به‌منظور جهت‌دهی انسان در مسیر تکامل حقیقی است، به‌بیان‌دیگر مرجعیت علمی قرآن به معنای پذیرش حاکمیت قرآن در نگرش‌های اعتقادی و کنترل کنش‌های انسانی در زمینه حکمت عملی و قرارداد تلاش‌های عملی انسان در مسیر رسیدن به سعادت و کمال حقیقی، و جاری‌شدن روح توحید در ابعاد گوناگون دانش بشری است.

رشید رضا در تعریفی سازگار با دومین تعریف مرجعیت، می‌نویسد: در قرآن

همه دانش‌ها باصراحت بیان نشده‌اند؛ اما بالقوه همه دانش‌ها در قرآن وجود دارند؛ از آن رو که در قرآن اصول و معیارهایی بیان شده است که با ابتدا بر آنها حکمت‌های پایان‌ناپذیر بر روی انسان گشوده می‌شود که همواره برای خاص و عام راهگشا است.

۲-۴. رشید رضا

محمد رشید رضا بن علی رضا (۱۲۸۲-۱۳۵۴ق)، اندیشمند و نویسنده دینی و از فعالان سیاسی در مصر و سوریه در اواخر دوره عثمانی و از رهبران جریان اصلاح طلب دینی بود. وی از پیشتازان نهضت بازگشت به قرآن است که با تفسیر المنار شهرت فراوانی در میان مفسران معاصر یافته است. این تفسیر با رویکردی سیاسی، اجتماعی و تربیتی تدوین شده و نمونه‌ای از تفسیرهای اجتماعی و تربیتی به‌شمار می‌آید که از آغاز قرآن تا آیه ۱۲۶ سوره نساء با املائی عبده و نگارش رشید رضا انجام گرفته است. رشید رضا با پیروی از روش و سبک استادش به نگارش و تکمیل این تفسیر تا آیه ۱۰۱ سوره یوسف پرداخت. تعیین مرزهای دانش‌های قرآنی را باید از مبانی تفسیری رشید رضا به‌شمار آورد. وی در بخش‌های گوناگونی از تفسیر المنار به بررسی و تحلیل گستره مرجعیت قرآن پرداخته است؛ برای مثال وی ذیل آیه سوم سوره مائده، مباحث مبسوطی درباره جامعیت و گسترده مرجعیت قرآن ارائه می‌کند. وی ضمن بیان سخنی از شاطبی مؤلف کتاب موافقات، به شرح و بسط جامعیت و گستره مرجعیت قرآن می‌پردازد و با استناد به آیات ۸۹ نحل، ۳۸ انعام و ۹ اسراء توضیح می‌دهد قرآن چگونه می‌تواند بیانگر همه چیز باشد. درباره رشید رضا گفتنی است این مفسر نامدار، در زمره سلفیان به‌شمار آمده است. به‌رغم رویکردهای متفاوتی که در میان سلفیان وجود دارد، همه آنان بر این باورند که تنها راه اعتلای اسلام و بازیابی عزت اسلامی، بازگشت به منابع اصیل و معتبر اسلامی و استناد به فهم سلف و سبک زندگی آنان خواهد بود. وی در کتاب الخلافة و الامامة العظمی بر اندیشه بازگشت به اسلام اولیه تأکید فراوانی می‌کند و با استناد به آیه ۵۹ سوره نساء و تفسیر «اولی الامر» به اهل حل و عقد، حکومت را در اسلام از آن ملت

و نهادی برخاسته از انتخاب نمایندگان مردم می‌داند. رشید رضا در این تفسیر حکومت اسلامی را نوعی حکومت ملی معرفی می‌کند (قادری، ۱۳۷۸، ج ۱، صص ۲۲۵-۲۲۶).

۳. گستره قرآن

مقصود از گستره قرآن، مسائل و موضوعاتی است که در قرآن به اجمال یا تفصیل بازگو شده‌اند. از این اصطلاح به جامعیت قرآن نیز تعبیر شده است.^۱ نظریه جامعیت قرآن برگرفته از شماری آیات قرآنی، مانند «و نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَيِّمَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹) و «مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (انعام: ۳۸) است که در آنها خداوند قرآن را منبع پایان‌ناپذیر و مبین همه چیز خوانده است؛ از این رو همه مذاهب اسلامی آن را پذیرفته‌اند، هر چند درباره مفهوم آن تعریفی یکسان ارائه نمی‌دهند.

واژه «جامعیت» مصدر جعلی از ریشه «جمع» به معنای گردآوری امور جدای از یکدیگر است (فیروزآبادی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۸؛ ابن فارس، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۴۷۹). هنگامی که واژه جامعیت وصف چیزی قرار گیرد، هدف و حکمت وجودی آن چیز می‌تواند گستره و ابعاد معنای جامعیت را درباره آن چیز روشن کند. جامعیت یک چیز همواره وابسته به هدفی است که آن چیز برای آن هدف به وجود آمده است؛ از این رو زمانی می‌توان از جامعیت امری سخن گفت که هدف مورد نظر به طور کامل تحقق یابد یا امکان تحقق هدف وجود داشته باشد؛ بنابراین تنها پس از دستیابی به هدف نزول قرآن می‌توان از معنای جامعیت قرآن سخن گفت؛ زیرا کمال و جامعیت قرآن نیز مرهون میزان توانایی این کتاب در تحقق اهدافی است که خداوند از نزول قرآن اراده کرده است.

شناسایی اهداف نزول قرآن از دو منظر برون‌متنی و درون‌متنی امکان‌پذیر است. برخی قرآن‌پژوهان نیز روش تلفیقی (برون‌متنی و درون‌متنی) را شیوه کارآمد برای تعیین گستره مرجعیت قرآن می‌دانند.

۱. در اینجا، کاربرد واژه گستره و قلمرو از واژه جامعیت مناسب‌تر است؛ زیرا بودن نوعی فراگیری در معنای واژه جامعیت، ممکن است این مطلب را به ذهن تداعی کند که از پیش قضاوت شده است قرآن شامل همه چیز است.

در روش برون‌متنی پژوهشگر، با کاوش در یافته‌های تجربی، تاریخی و به مدد اندیشه‌ورزی، پاسخ پرسش خود را دنبال می‌کند. این روش به سه شیوه انجام می‌گیرد: الف) شناسایی نیازها و انتظارات انسان از قرآن؛ ب) بررسی نقش قرآن در جوامع اسلامی و بسط و تعمیم تاریخی آن در جامعه معاصر؛ ج) بازخوانی دلایل ضرورت بعثت پیامبران.

در روش درون‌متنی، گستره مطالعات، آموزه‌های قرآنی و روایی است. در میان این آموزه‌ها، برخی، صریح و بی‌واسطه، گستره موضوعی قرآن را بیان می‌کنند؛ دسته‌ای از آیات و روایات، اهداف نزول قرآن و گستره رسالت فرستادگان الهی را بازمی‌گویند. با بررسی هریک از آیات یادشده می‌توان به تعیین قلمرو دانش‌های قرآنی راه یافت. دو روش برون‌متنی و درون‌متنی، مشتمل بر روش‌های فرعی متعددی هستند.

در رویکرد تلفیقی، روش برون‌متنی، متکفل به دست آوردن مبانی و کلیات مربوط به قلمرو موضوعی قرآن است؛ اما شناخت تفصیلی و استدلال‌های تبیین قلمرو موضوعی قرآن، با واکاوی آیات و روایات انجام می‌گیرد.

با توجه به اصرار برخی نواندیشان مسلمان بر ابتدای این هدف بر کاوش‌های برون‌متنی (ر.ک: سروش، ۱۳۷۷، ص ۱۲)، به‌عنوان تنها راه ممکن و ناصحیح‌دانستی تعیین گستره قرآن براساس آیات و روایات، این پرسش اهمیتی فزاینده می‌یابد که «آیا می‌توان با کاوش‌های درون‌متنی به تعیین گستره موضوعی قرآن راه یافت». گفتنی است بسیاری از مفسران و قرآن‌پژوهان بزرگ پیشین و معاصر با اتکا بر دلایل درون‌متنی و با استناد به آیات و روایات به تعیین گستره موضوعی قرآن پرداخته‌اند. در اینجا به دلایل برون‌متنی و درون‌متنی جامعیت قرآن اشاره می‌شود.

۳-۱. دلایل برون‌متنی

مهم‌ترین دلیل برون‌دینی، بر برهان‌های ضرورت بعثت پیامبران و گستردگی نیازهای انسان استوار شده است. برخی پیروان الهیات و حیانی (پیروان ادیان آسمانی؛ یهودیان، مسیحیان و مسلمان)، هدف بعثت پیامبران را تبیین اصولی چون توحید، معاد و دعوت به

این اصول می‌دانند و بر این باورند که آموزه‌های وحیانی به‌منظور ساماندهی روابط و مناسبات این جهانی انسان نازل نشده‌اند. آنان برای تبیین دیدگاه خود چند دلیل ارائه کرده‌اند:

اول: انسان‌ها برای زندگی و ادامه آن، نیازهای پرشماری دارند که می‌توانند با اتکا به عقل، دانش و تجربه آنها را برطرف سازند. دین تنها پاسخگوی نیازهایی است که عقل و دانش بشری در برآوردن آنها ناتوان است؛ نیازهای فرابشری نیز به حقایق متفاوتی که مانند شناخت توحید و معاد محدود می‌شود. حداکثر دخالت دین در امور دنیا از این جهت است که به زندگی اخروی کمک کند (ر.ک: سروش، ۱۳۷۶، ص ۱۳۷؛ سروش، ۱۳۷۳، ص ۱۶۳؛ سروش، ۱۳۸۵، ص ۱۸۲).

دوم: دین اسلام دین خاتم، جهان‌شمول و جاودانه است. جامعه انسانی در همه شئون زندگی در حال تغییر و دگرگونی و تکامل است. جاودانگی و جهان‌شمولی دین و سازگاری و انطباق آن با همه زمان‌ها و مکان‌ها تنها زمانی امکان‌پذیر است که آموزه‌های دینی پاسخگوی مسائل کلی باشند و به دین حداقلی بسنده شود (جهت اطلاع از نقدهای وارد بر این دو دلیل و دیگر دلایل‌های این دیدگاه و پاسخ آنها نک: ضیایی‌فر، ۱۳۸۲، صص ۷۵۵-۷۶۰).

در برابر دیدگاه یادشده برخی اندیشمندان مسلمان، هدف دین و رسالت فرستادگان الهی را افزون بر تبیین توحید، معاد و دعوت به این اصول، جهت‌دهی به زندگی دنیا می‌دانند. از سوی پیروان این دیدگاه نیز دلایلی ارائه کرده‌اند: (ر.ک: خویی، ۱۳۹۴، ص ۶۴؛ خمینی، بی‌تا، ص ۳۱۲؛ خمینی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۸۴؛ خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۶۶ و ج ۲، ص ۲۳۲ و ج ۱۴، صص ۱۶۷-۱۶۸ و ج ۲۱، ص ۱۷۶؛ خمینی، ۱۳۹۴، صص ۵-۱۲؛ رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۱۳۱).

دلیل نخست: دین اسلام با هدف تأمین سعادت زندگی دنیا و آخرت انسان‌ها تشریح شده و حاوی دستورهایی است که ساماندهی زندگی دنیایی با پیروی از این دستورها میسر خواهد شد (ر.ک: ضیایی‌فر، ۱۳۸۲، صص ۷۶۰-۷۷۰؛ رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۸).

دلیل دوم: قرآن هدف بعثت پیامبران را، تنظیم روابط اجتماعی و سامان‌بخشی جوامع بشری بر محور قسط و عدل می‌داند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ؛ هَمَانَا مَا

پیامبران خود را با دلایل قاطع و معجزاتی که حقانیت رسالت آنان را آشکار می‌ساخت فرستادیم و با آنان کتاب آسمانی و دین را که معیار عقاید و اعمال انسان‌ها است فرود آوردیم، تا مردم همواره به عدل و داد برپا باشند و آهن را که در آن نیرویی سخت برای رزم و دفاع است و منافع دیگری نیز برای مردم دارد آفریدیم» (حدید: ۲۵). براساس این آیه هرگز نمی‌توان آموزه‌های قرآن را به دین حداقلی و بازگویی اصول کلی مربوط به هدایت بشری، توحید و معاد محدود کرد (جهت اطلاع از دیگر دلایل‌های این دیدگاه نک: ضیایی‌فر، ۱۳۸۲، صص ۷۶۰-۷۷۰).

۲-۳. دلایل درون‌متنی

در میان آموزه‌های دینی آیات و روایات فراوانی وجود دارد که مفاد آنها بیان‌کننده جامعیت دین اسلام و قرآن است. رشید رضا برای تبیین گستره جامعیت قرآن اهتمام فراوانی به دلایل درون‌متنی نشان داده است (رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۸). وی با اشاره به آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» (مائده: ۳) می‌نویسد: در این آیه باصراحت از کامل و جامع بودن دین اسلام سخن به میان آمده است. او با استناد به آیه «مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَ لَكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ تَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ» (یوسف: ۱۱۱) یادآور می‌شود بسیاری از مفسران با استناد به «تَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ»، قرآن را حاوی همه دانش‌های مورد نیاز بشر می‌دانند. رشید رضا با استناد به آیه «وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹) می‌نویسد: مفسران با استناد به این بخش از آیه و آیات ۳۸ و ۵۹ سوره انعام، قرآن را کتابی جامع می‌دانند (ر.ک: رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۸). امام علی ۷ درباره جامعیت قرآن می‌فرماید: «وَ أُنزِلَ عَلَيْكُمْ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ عَمَرَ فِيكُمْ نَبِيَّهُ أَرْمَانًا حَتَّىٰ أَكْمَلَ لَهُ وَ لَكُمْ فِيهَا أَنْزَلَ مِنْ كِتَابِهِ دِينَهُ الَّذِي رَضِيَ لِنَفْسِهِ؛ وَ كِتَابِي بِرِشْمَا نَزَلَ كَرْدَ كِه رُوشَن‌گَرِ هَمِه چيز است و پیامبرش را مدتی در میان شما قرار داد تا برای او و شما، دین را به اکمال رساند و آنچه در قرآن نازل شد و مایه رضای الهی است تحقق بخشد» (نهج البلاغه، خطبه ۸۶).

امام رضا ۷ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَقْبِضْ نَبِيَّهُ حَتَّىٰ أَكْمَلَ لَهُمُ الدِّينَ وَ أَنْزَلَ

عَلَيْهِ الْقُرْآنَ فِيهِ تَفْصِيلُ كُلِّ شَيْءٍ بَيْنَ فِيهِ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَالْحُدُودَ وَالْأَحْكَامَ وَجَمِيعَ مَا يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ كَمَا قَالَ عَزَّ وَجَلَّ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ فَأَنْزَلْنَا فِيهِ حِجَّةَ الْوَدَاعِ وَ هِيَ آخِرُ عُمْرِهِ، الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا... فَمَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَكْمِلْ دِينَهُ فَقَدْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ وَ مَنْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ كَافِرٌ؛ خداوند تا دین خود را کامل نساخت، پیامبرش را از جهان نبرد و قرآن را بر او فرستاد که شرح و بیان همه چیز در آن هست، حلال و حرام، حدود، احکام و تمامی نیازمندی‌های مردم بی‌کم و کسر در آن بیان شده است و خداوند عَزَّ وَجَلَّ فرموده است: "ما فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ؛ در این قرآن چیزی را فرو گذار نکردیم" و در آخرین سفر حج پیغمبر ۹ که سال آخر زندگی آن بزرگوار نیز بود و حجة الوداع نامیده شد، پس از اینکه در غدیر خم به دستور خدا جانشین خود را معرفی کرد، و این آخرین فریضه الهی را به مردم ابلاغ نمود، خداوند به او این گونه وحی فرمود: "الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا؛ امروز دینتان را کامل و نعمتم را بر شما تمام کردم و خشنود گشتم که اسلام آیین شما باشد" ... هر کس گمان برد که خداوند دین خود را تکمیل نکرده است، کتاب خدا را نپذیرفته، و کسی که دست ردّ بر قرآن زند به آن نگروریده و کافر است» (صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۹۶).

رشید رضا در تفسیر المنار ذیل شماری از آیات قرآن به تشریح و تبیین این موضوع می‌پردازد. وی بر این باور است که هرآنچه مربوط به شریعت است، در قرآن بیان شده است و هر کس به قرآن آگاهی داشته باشد به شریعت نیز آگاه است. رشید رضا برای این سخن خود به آیه «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹)، «مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (انعام: ۳۸) و «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (اسراء: ۹) و جز اینها استدلال می‌کند.

در تفسیر المنار افزون بر آیات پیش گفته که باصراحت به بررسی گسترده قرآن پرداخته، برای اثبات جامعیت قرآن به آیاتی نیز استدلال شده است که قرآن را عامل هدایت و درمان دردها، دستگیره مطمئن و استوار و عامل نجات معرفی می‌کند. وی در ادامه مباحث مربوط به گستره و جامعیت قرآن به روایاتی استناد می‌کند که در آنها به

ویژگی‌هایی مانند: اعوجاج ناپذیر، قوام و قوام‌بخشی و شگفتی‌های پایان‌ناپذیر معرفت‌های قرآن اشاره شده است: «لَا يَعْوجُّ فَيْقَوْمٌ وَلَا يَزِيغُ فَيْسَعْتَبُ وَلَا تَنْقُضِي عَجَائِبَهُ، وَلَا يَحُلُقُ عَلَى كَثْرَةِ الرَّدِّ». او همچنین به روایاتی استناد می‌کند که قرآن را کتاب ادب و اخلاق معرفی می‌کنند: «أَنَّ كُلَّ مُؤَدَّبٍ يَجِبُ أَنْ يُؤْتَى أُدْبُهُ، وَأَنَّ أُدْبَ اللَّهِ الْقُرْآنُ. سُئِلَتْ عَائِشَةُ عَنْ حُلُقِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَتْ: كَانَ حُلُقَهُ الْقُرْآنَ» (رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۱۳۱). براساس این روایات، قرآن تنها منبع غنی اخلاقی و خاستگاه ظرفیت‌های اخلاق پیامبر اکرم ﷺ معرفی شده و منبعی اطمینان‌بخش برای دانش اخلاق و تربیت اخلاقی است.

۴. معنای جامعیت قرآن با ابتنا بر هدف نزول قرآن

در آیات و روایات متعددی به جامعیت قرآن تصریح یا اشاره شده است؛ اما تعیین مرزهای جامعیت قرآن تنها پس از واکاوی هدف نزول قرآن میسر خواهد بود؛ از این رو لازم است هدف نزول قرآن بررسی شود.

بهترین راه پاسخ به چرایی انجام یک فعل، پرسش از فاعل آن فعل است؛ او از هر کس برای پاسخگویی به این پرسش سزاوارتر است؛ بنابراین پی‌بردن به هدف نزول قرآن نیازمند مراجعه به سخنان خداوند است. آیات پرشماری هدف از نزول قرآن را بازگو کرده‌اند. هدایت، روشنگری، رشد و شکوفایی اندیشه‌ها، خردورزی، کاستن و زدودن اختلاف‌ها و هشدار و انداز، نصیح و خیرخواهی اهدافی‌اند که برای نزول قرآن بیان شده‌اند. در اینجا مروری اجمالی بر اهداف نزول قرآن می‌کنیم.

۱. هدایتگری: در برخی آیات، قرآن با عنوان هادی و هدایتگر معرفی شده است، مانند «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ؛ این کتاب، هیچ شکی در آن نیست، راهنمای پرهیزگاران است» (بقره: ۲)، «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ؛ ماه رمضان که در آن قرآن فرو فرستاده شده، که راهنمایی برای مردم و نشانه‌های روشنی از رهنمونی [به راه راست] و جداکننده حق از باطل است» (بقره: ۱۸۵) و آیه ۵۲ سوره اعراف و آیه ۲ و ۳ سوره لقمان. هدایتگری اساسی‌ترین هدفی است که در قرآن برای کتاب‌های آسمانی بیان شده است. گویی اهداف دیگر

هرچند در قرآن به صورت مستقل بیان شده‌اند، این اهداف در حقیقت بازگوکننده فرایند هدایتگری قرآن‌اند؛ از آن رو که هدایت قرآنی با رشد اندیشه‌ها، هشدارها، تبیین و حل اختلاف‌های عقیدتی، انجام می‌گیرد.

در شماری از آیه‌ها، از هدایت قرآنی به رهایی از تاریکی و باریابی به نور تعبیر شده است، مانند «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ؛ [این] کتابی است که آن را به سوی تو فرود فرستادیم تا مردم را به خواست و فرمان پروردگارش از تاریکی‌های گمراهی به روشنایی [هدایت] بیرون آری، به راه آن توانای بی‌همتا و ستوده» (ابراهیم: ۱) و آیه ۱۱ سوره طلاق.

رشید رضا در تفسیر المنار با توجه به آیات یادشده و مانند اینها، قرآن را کتاب هدایت برای جهانیان معرفی می‌کند (رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۸).

۲. تبیین و روشنگری: یکی از اهداف نزول قرآن تبیین، روشنگری و خردورزی است: «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ؛ با حجت‌های روشن و کتاب‌های پندآموز [فرستادیم]، و این ذکر - یاد و پند قرآن - را به تو فرود فرستادیم تا برای مردم آنچه را که به سوی آنان فرو فرستاده شده است، روشن بیان کنی و تا شاید بیندیشند» (نحل: ۴۴). در این آیه تبیین پیامبران با دلایل آشکار همراه با کتاب‌های آسمانی را از اهداف بعثت و نزول وحی معرفی می‌کند. در آخر، آیه با تأکید بر اندیشه‌ورزی مخاطبان وحی، پیامبران را فراخوان مردم به خردورزی می‌داند.

۳. زدودن اختلاف‌ها: برخی آیات، هدف نزول وحی قرآنی را زدودن اختلاف‌های عقیدتی می‌دانند: «وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ؛ و ما این کتاب را بر تو فرو نفرستادیم مگر برای اینکه باورهای درست و کارهای نیکو را که مشرکان در آن اختلاف دارند، برای آنان بیان کنی و برای مردمی که ایمان می‌آورند، رهنمود و رحمتی باشد» (نحل: ۶۴).

۴. هشدار و انذار: یکی دیگر از اهداف نزول قرآن، هشدار، انذار و خیرخواهی است: «مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى * إِلَّا تَذَكُّرَةً لِمَنْ يَخْشَى؛ ای پیامبر، ما این قرآن را بر

تو فرو نفرستادیم تا برای رساندن پیام آن به رنج افتی، بلکه آن را فرو فرستادیم تا تذکر و یاد کردی باشد برای کسی که از فرجام بی خبری می هراسد» (طه: ۲-۳).

۵. رشد و شکوفایی: از دیگر اهداف نزول قرآن شکوفایی و رشد انسان‌ها است که قرآن از زبان جنیان آن را بیان کرده است: «قُلْ أُوْحَىٰ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا* يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ؛ بگو: به من وحی شده است که گروهی از پریان [به این قرآن] گوش فراداشتند؛ پس گفتند که ما قرآنی شکفت - بسیار فصیح که مانند سخن بشر نیست - شنیدیم که به راه راست [و کمال] راه می‌نماید، پس به آن ایمان آوردیم» (جن: ۱-۲).

با توجه به اهداف نزول قرآن، هنگامی که با استناد به آیات و روایات، قرآن را کتابی جامع و کامل می‌دانیم، این پرسش مطرح خواهد شد که معنای هدایت از منظر قرآن چیست و این کتاب آسمانی انسان‌ها را به سوی چه چیزی هدایت می‌کند. پاسخ به این پرسش می‌تواند معنای جامعیت قرآن را آشکار سازد؛ اما مفسران به این پرسش، پاسخ یکسانی نداده‌اند.

برخی مفسران و شماری از نواندیشان مسلمان، رسالت دین و هدف بعثت پیامبران را تنها تبیین توحید و معاد و دعوت به آنها می‌دانند (ر.ک: سروش، ۱۳۷۶، ص ۱۳۷؛ سروش، ۱۳۷۳، ص ۱۶۳؛ بازرگان، ۱۳۸۸، ج ۱۷: صص ۲۶۵-۳۵۴). هدایتگری قرآن از منظر این دسته از مفسران آن است که قرآن آدمیان را به سوی توحید و معاد دلالت و راهنمایی می‌کند؛ بنابراین کمال و جامعیت قرآن نیز به این معنا است که قرآن در راهنمایی انسان‌ها به توحید و معاد از هیچ نکته‌ای فروگذار نکرده است.

شماری دیگر از مفسران در تبیین رسالت دین و هدف بعثت پیامبران، افزون بر تبیین توحید و معاد، جهت‌دهی به زندگی دنیایی را نیز از اهداف قرآن می‌دانند (ر.ک: خوبی، ۱۳۹۴، ص ۶۲؛ امام خمینی، بی‌تا، ص ۳۱۲؛ خمینی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۸۴؛ خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۶۶ و ج ۲، ص ۲۳۲ و ج ۱۴، صص ۱۶۷-۱۶۸ و ج ۲۱، ص ۱۷۶؛ خمینی، ۱۳۹۴، صص ۷-۸). در نگاه این دسته از مفسران، هدایت قرآن در حقیقت، راهنمایی آدمیان به توحید، معاد و جهت‌دهی زندگی مادی و دنیایی است؛ بنابراین جامعیت قرآن به این معنا است که در این کتاب الهی همه حقایق

و قواعد لازم برای بازگویی معاد، توحید و جهت‌دهی به زندگی مادی، بدون هرگونه کاستی و نقص بیان شده است.

محصور ساختن رسالت دین و هدف بعثت پیامبران به تبیین توحید و معاد و دعوت به آنها، سخن ناروا و انگاره‌ای ناصواب است؛ زیرا آموزه‌های قرآن، سخن پیامبر و دیگر معصومان و سیره عملی آنان، چنین حصری را بر نمی‌تابد (جهت اطلاع از نقد این دیدگاه نک: ضیایی فر، ۱۳۸۲، صص ۷۵۵-۷۶۰).

رشید رضا درباره این موضوع می‌نویسد: تفسیر فرایند فهم قرآن است از این جهت، قرآن مشتمل بر دین و هدایت جهانیان است و نیز بیان آنچه موجب اصلاح و سامان‌بخشی امور دنیا و سعادت و رستگاری جهان آخرت می‌شود (رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۸).

از منظر رشید رضا هرگز نمی‌توان هدف نزول قرآن را در تبیین توحید و معاد و دعوت به این دو محدود کرد. با بررسی آموزه‌های قرآن به وضوح درمی‌یابیم که در بسیاری از آموزه‌های قرآنی اصلاح امور دنیا مدار توجه قرار گرفته است. وی برای اثبات سخن خود درباره جامعیت و مرجعیت قرآن و اشتغال آن بر امور این جهانی می‌نویسد: در بسیاری از سوره‌های مدنی مانند سوره بقره، آل عمران، نساء و مائده، بدون هرگونه ابهام و اجمالی، همه نیازهای انسان بازگو شده است. این نیازها شامل احکام عملی در عبادات، معاملات شخصی و اجتماعی و احکام سیاسی و نظامی و اصول و قواعد حکومت اسلامی می‌شود. در آیه‌های متعددی از سوره‌های یادشده و جز اینها شاهد تبیین و تحلیل احکام و قوانینی هستیم که به مناسبات فردی و اجتماعی جهان مادی اختصاص دارند (رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۸). وی براساس مبنای خود درباره جامعیت و مرجعیت قرآن از اهداف پنج‌گانه قرآن سخن گفته و اهداف و مقاصد قرآن را چنین معرفی می‌کند: ۱. اصلاح فرد و جامعه انسانی؛ ۲. قراردادن انسان‌ها در مسیر رشد؛ ۳. ایجاد وحدت میان انسان‌ها در جامعه؛ ۴. رشد اندیشه انسان‌ها؛ ۵. تزکیه نفوس انسانی (رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۷۱).

از منظر رشید رضا، قرآن کتاب تربیت و تعلیم است، نه کتاب تعلیم فقط. وی در

تبیین و تشریح گستره تربیتی قرآن می‌نویسد: خداوند به این موضوع در قرآن تصریح می‌کند: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (جمعه: ۲). در آیات متعددی از قرآن با مضمونی مشابه آیه نامبرده بر نقش تربیتی قرآن تصریح و تأکید شده است (بقره: ۱۵۱ و ۱۲۹؛ آل عمران: ۱۶۴). وی تکرارهای قرآنی را یکی از دلایل اثبات بعد تربیتی قرآن دانسته، می‌نویسد: در قرآن در برخی موارد یک موضوع و مسئله، دو یا چند بار تکرار می‌شود؛ در حالی که در کتاب‌های تعلیمی که با انگیزه آموزش تدوین می‌شوند، هر مسئله‌ای فقط یکبار بازگو می‌شود؛ مانند کتاب‌های که به معرفی فنون و قوانین اختصاص دارند؛ تکرار از ملزومات اسلوب‌های تربیتی است. قرآن نیز این اسلوب را برگزیده است (رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۵۱).

رشید رضا با اشاره به اصول و ارکان اساسی دین (ایمان به خدا، ایمان به معاد و عمل صالح) به واکاوی ارکان یادشده و نقش آنها در فرایند اصلاح جامعه می‌پردازد و درباره آن می‌نویسد: اصلاح ارکان اساسی سه گانه، نخستین و والاترین هدف همه فرستادگان الهی و نزول وحی آسمانی است. هدایت و سعادت بشر در گروی تبیین و تشریح این سه رکن است. در آیه ۶۲ سوره بقره به این ارکان سه گانه اشاره شده است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ». رشید رضا با استناد به این آیه، ایمان به خدا را اولین و برترین رکن آموزه‌های هدایتی و تربیتی قرآن می‌داند. وی سپس به واکاوی تاریخی باورهای ادیان و اقوام پیش از اسلام درباره خداوند می‌پردازد. وی با استناد به آموزه‌های قرآنی، اذعان می‌کند امت‌های پیشین، در ایمان راستین به خدای یگانه دچار نوعی گمراهی بودند و پیامبر اسلام مبعوث شد تا آنان را از گمراهی رها سازد (جمعه: ۲). در آیین تحریف‌شده یهود، تصویر و تعریفی انسان‌واره از خدا ارائه شده و یهودیان بر این باورند که خداوند مانند انسانی تجسم یافته است و با یعقوب کشتی می‌گیرد. گرایش به بت‌پرستی از جمله گمراهی آشکار یهودیان است (توبه: ۳۰). مسیحیان افزون بر اعتقاد به تثلیث و سه‌خدایی (نساء: ۱۷۱)، به بت‌پرستی نیز روی آورده

بودند و بت‌ها و تندیس‌های پرشماری را در کلیسا نگهداری می‌کردند که نماد بت‌پرستی بود؛ چنان‌که باورهایی مانند فدا در عقاید مسیحیان رواج یافت که به آموزه‌های تحریف‌نشده مسیحیت بی‌ارتباط بود. قرآن برای زدودن شرک و گمراهی از اندیشه و رفتار جوامع انسانی، همه انسان‌ها را به بازگشت به توحید فرامی‌خواند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ» (بقره: ۲۱). رشید رضا در معرفی مخاطبان این آیه و آیه‌های مانند آن می‌نویسند: یعنی همه انسان‌ها اعم از عالم و جاهل، باید برای فهم آیه‌های قرآن، به میزان توان در آیه‌های قرآن بیندیشند (رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۸۱).

وی می‌کوشد با تقسیم آموزه‌های دینی به سه حوزه عقاید، احکام عبادی و معاملات و افزودن برنامه‌ریزی و مدیریت اسلامی به مجموعه عرصه‌های سه‌گانه، جامعیت و کمال دین را تبیین کند (رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۱۵۷-۱۶۷).

وی در بخش‌هایی از تفسیر المنار به اثبات جامعیت قرآن از رهگذر مباحث اخلاقی و تربیتی پرداخته، می‌نویسد: در قرآن تربیت اخلاقی مدار توجه قرار گرفته است و تمام اصول و قوانین مرتبط با تزکیه و تطهیر نفس بازگو شده است. رشید رضا تصریح می‌کند که در آموزه‌های قرآنی، همه اصول و قواعد مورد نیاز عقل، نفس و اخلاق نیز به وضوح بیان شده است و کسانی که در آیات قرآن تدبر کنند، همه دانش‌ها، حکمت‌ها و فضیلت‌ها را در وجود خود درمی‌یابند؛ چنان‌که میان خود و هرگونه نادانی و شرارت، فاصله زیادی را احساس می‌کنند (رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۱۸۰).

رشید رضا ذیل آیه ۳۸ سوره انعام نیز به تحلیل و تبیین گسترده علمی قرآن پرداخته است. وی ابتدا به بررسی معنای واژه کتاب پرداخته، می‌نویسد: اگر منظور از کتاب در این آیه، قرآن باشد؛ هرچند نمی‌توان، اطلاق، شمول و فراگیری «مَا فَرَّطْنَا» را انکار کرد، اما با توجه به هدف نزول قرآن - که همانا هدایت انسان‌ها است - می‌توان این شمول و فراگیری را به عرصه هدایت محدود ساخت. به این معنا که همه آنچه که آدمی در مسیر هدایت نیازمند است، در قرآن بیان شده است؛ بنابراین معنای آیه این‌گونه خواهد بود: ما چیزی در کتاب (قرآن) از مسائل هدایت مانند اصول دین، قواعد کلی، احکام، حکمت‌ها و ارشاد به بهره‌گیری از نیروی بدنی و عقلی را فروگذار

نکردیم (رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۳۹۵). محدود کردن گستره دانش‌های قرآنی به عرصه هدایت از آن رو است که با توجه به محدودیت آشکار معارف قرآنی، تعمیم این معارف بازگوشده در آیات قرآن، به همه دانش‌های بشری، دست کم براساس قواعد زبان‌شناختی اثبات پذیر نیست. هرچند می‌توان با ابتنا بر فهم تأویلی و کشف لایه‌های پنهان و فرازبانی وحی قرآنی، از انطباق داده‌های قرآنی با همه دانش‌ها سخن گفت. بدیهی است که چنین فهمی را باید به افرادی ویژه مانند معصومان اختصاص داد (رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۳۳۰). این احتمال افزون بر شماری از آیات، با روایات پرشماری نیز تأیید و تأکید می‌شود؛ مانند این روایت امام صادق ۷ که می‌فرماید: «انی لاعلم ما فی السماء و اعلم ما فی الارض و اعلم ما فی الجنة و اعلم ما فی النار و اعلم ما کان و اعلم ما یكون، علمت ذلك من کتاب الله ان الله یقول فیہ تیبان کل شیء؛ من از آنچه در آسمان و زمین و بهشت و جهنم و آنچه در گذشته بوده و آنچه در آینده خواهد بود آگاهم. این همه را از کتاب خدا دانسته‌ام. خدای تعالی می‌فرماید که در قرآن بیان هر چیزی وجود دارد» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹۲، ص ۸۵). این دیدگاه از ابن مسعود گزارش شده است (ر.ک: بخاری، بی‌تا، ج ۹، ص ۴۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، مقدمه هفتم، ص ۵۷۵۸). این دیدگاه را برخی مفسران همچون محمود بن عبدالله آلکوسی در روح المعانی، ذیل آیات ۸۹ نحل و ۱۱۱ یوسف، پذیرفته‌اند.

رشید رضا در تبیین «کمال و تمامیت» دین - ذیل آیه ۳ سوره مائده - خود را پیرو نظریه تفسیری ابن عباس می‌داند؛ نظریه‌ای که از بسیاری از مفسران نیز آن را پذیرفته‌اند. ابن عباس مفهوم دین در آیه اکمال را آمیزه‌ای از عقاید، احکام و آداب (عبادات و معاملات) می‌داند (رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۶، صص ۱۵۷-۱۶۷).

رشید رضا در پاسخ به این شبهه که «اگر قرآن تبیان هر چیزی است، چرا بسیاری از احکام و مسائل در این کتاب بیان نشده است»، با تقسیم مسائل دینی به باورها، احکام عبادی و معاملات و افزودن مدیریت اسلامی به سه رکن اساسی یادشده، می‌کوشد تا نشان دهد جامعیت و کمال به مجموعه دین مربوط می‌شود، نه وجود تفصیلی و بالفعل همه احکام و مسائل جزئی در قرآن. او با استناد به برخی آموزه‌های حقوقی و سیاسی

قرآن، نیز به شرح و بسط مسئله مرجعیت علمی قرآن و گستره آن پرداخته و سیاست و حکومت را از جمله دانش‌هایی می‌داند که در قرآن از آن سخن به میان آمده است.

وی با استناد به آیاتی که «اولوالامر» را در کتاب خدا و رسول نشانده و پیروی از «اولوالامر» را مانند پیروی از خدا و رسول واجب دانسته است (نساء: ۵۹ و ۷۳)، اطاعت‌پذیری از «اولوالامر» را از محورهای جامعیت قرآنی می‌داند و برای اثبات سخن خود به آیه ۳ سوره مائده استدلال می‌کند. در این آیه ابتدا احکام فقهی شماری از محرمات بیان شده است؛ سپس در میانه آیه آمده است: «الْيَوْمَ يَنْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اٰخِشُوْنَ الْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِيْنَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِيْنًا». پس از بیان این نکته مهم سیاسی، ادامه احکام محرمات فقهی آمده است. رشید رضا به‌رغم باور شماری از مفسران که با استناد به سیاق آیه، معتقدند آنچه موجب ناامیدی کافران شده است، بیان همین احکام فقهی است، این برداشت را نادرست می‌داند و در تبیین نادرستی آن می‌نویسد: این برداشت توجیه خردپذیری ندارد؛ چگونه می‌توان پذیرفت نزول آیه‌ای که به بیان حکم فقهی اختصاص دارد، موجب یأس و ناامیدی کافران شود. هرگز کافران با بیان چند حکم فقهی از پیروزی بر دین اسلام مأیوس نخواهند شد. وی پس از تحلیل یادشده نتیجه می‌گیرد آنچه می‌تواند یأس کافران را به‌دنبال داشته باشد، مسئله ولایت و جانشینی است؛ بنابراین آیه ۳ سوره مائده درصدد بیان اصل حیاتی و بسیار مهم جانشینی است. رشید رضا در این تحلیل قرآنی، دلالت سیاق را برای عدول از ظهور دومین بخش آیه مورد بحث ناکافی می‌داند و بر معترضه و مستقل بودن این بخش آیه از قبل و بعد آن اصرار می‌ورزد. این برداشت تفسیری رشید رضا همسو و سازگار با نظریه مفسران شیعه است. براساس نصوص روایی این بخش آیه در حجة‌الوداع و هنگام بازگشت رسول اکرم ۹ و مسلمانان از مکه و پس از آن که رسول خدا ۹ امام علی 7 را جانشین خود معرفی کرد، نازل شده است.

حکومت و مدیریت سیاسی از دیگر مباحث قرآنی است که رشید رضا را بر آن داشته تا به موضوع گستره مرجعیت علمی قرآن بپردازد. حکومت اسلامی از جمله مسائل حیاتی در عصر بازگشت به قرآن است، از این‌رو بسیاری از پیشتازان نهضت

بازگشت به قرآن مانند سیدجمال‌الدین اسدآبادی، شاگردان وی و شماری از پیروان او همچون محمد عبده، رشید رضا و حسن البنا به بازتعریف حکومت دینی و تبیین ابعاد آن از دیدگاه اسلام پرداخته‌اند. آنان برپایی حکومت اسلامی را از الزامات نظام اسلامی دانسته و وظیفه حاکمان را پیش‌گیری از ارتکاب گناه، اجرای احکام الهی و مجازات گناهکاران می‌دانند و بر این باورند که برپایی حکومت و ایفای درست وظایف حاکمان موجب برقراری پاکی و صلاح در جامعه اسلامی خواهد شد. آنان حکومت را از اهداف ذاتی نظام اسلامی نمی‌دانند و معتقدند حکومت به‌مثابه ابزاری ضروری برای تحقق اهداف دین است. از منظر اندیشمندان مسلمان نامبرده، هدف اصلی و ذاتی دین، تقوا و رستگاری انسان است (روآ، ۱۳۷۸، ج ۱، صص ۷۴-۷۵) و حکومت به‌مثابه راهبردی مؤثر برای تحقق این هدف ذاتی است. رشید رضا مانند سیدجمال و پیروان وی و همه اسلام‌گرایان اتفاق نظر دارند دستیابی به قدرت از ملزومات ضروری بازسازی جامعه اسلامی است و براین باورند که نمی‌توان الگوی زندگی اسلامی و تحقق جامعه توحیدی را در حکومت غیراسلامی انتظار داشت و اصلاح جامعه براساس معیارها و اصول اسلامی، تنها با کسب قدرت سیاسی امکان‌پذیر است. این اندیشه سیاسی که رشید رضا نیز برآن پای می‌فشرد، گستره مرجعیت قرآن در عرصه دانش سیاسی را از منظر وی و همفکران او ترسیم می‌کند.

دیه از جمله مباحث حقوقی اسلام و گونه‌ای از مجازات اسلامی است که در قرآن نیز آیاتی به این موضوع اختصاص یافته است. دیه، مالی است که از طرف شارع در برابر جنایت غیرعمدی مانند قتل یا جرح تعیین شده است. در جنایت عمدی نیز ولی دم یا معینی علیه می‌تواند با گرفتن دیه از قصاص چشم‌پوشی کند (قانون مجازات اسلامی، ماده ۲۵۷). براساس قانون مجازات اسلامی، دیه قتل زن مسلمان، خواه عمدی خواه غیرعمدی، نصف دیه مرد مسلمان است. دیه سقط جنین نیز چنانچه در جنین روح دمیده شده باشد، اگر جنین پسر باشد دیه کامل و اگر دختر باشد نصف دیه کامل و اگر مشتبه باشد سه ربع دیه کامل خواهد بود (قانون مجازات اسلامی، ماده ۴۸۷، بند ۶).

در دیه مربوط به جرح، دیه زن و مرد یکسان است تا وقتی مقدار دیه به ثلث دیه

کامل برسد، در آن صورت دیه زن نصف دیه مرد خواهد شد. تا یک میزان، دیه مرد و زن مساوی است و بیشتر از آن، دیه زن نصف دیه مرد می‌شود (قانون مجازات اسلامی، ماده ۳۰۱). برخی نویسندگان اهل سنت این حکم را در میان فقیهان اهل سنت اجماعی دانسته، نوشته‌اند: «فقیهان بر این امر اتفاق دارند که دیه زن نصف دیه مرد است» (عوده، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۶۹ و ج ۲، ص ۱۸۲). در آیه ۹۲ سوره نساء^۱ این حکم با صراحت بیان شده است. در این آیه، دیه به صورت مطلق و نکره آمده است. ظاهر آیه دلالت می‌کند پرداختن مقداری که خانواده مقتول را راضی کند کافی است؛ ولی سنت (روایات) میزان دیه را تعیین و بدان گونه که معروف و مقبول اقوام عرب بوده، مقدار آن را مشخص کرده است. اجماع مسلمانان این است که دیه مرد مسلمان آزاد یکصد شتر و دیه زن نیز نصف دیه مرد است. رشید رضا با استظهار از این آیه می‌نویسد: اما در ظاهر آیه تفاوتی میان زن و مرد نیست. وی در این فراز تفسیری با اشاره به برخی مباحث حقوقی، مرجعیت قرآن درباره احکام حقوقی و مجازات‌ها را یادآور شده است (رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۳۳۲).

۵. نگرش انتقادی رشید رضا به برخی نظریه‌های جامعیت قرآن

رشید رضا بخش‌هایی از تفسیر المنار را به واکاوی و نقد نظریه‌های جامعیت اختصاص می‌دهد و درباره آن می‌نویسد: عده‌ای از مفسران بر آن‌اند که آموزه‌های قرآن مشتمل بر همه دانش‌های بشری است و نیز همه رخدادهای کلی و جزئی گذشته، حال و آینده بی‌هیچ کاستی در قرآن ثبت شده است. رشید رضا ضمن اذعان به نادرستی این نظریه، آن را سخنی هذیان‌گونه و ناستوار می‌داند (رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۳۳۰). در برخی آیه‌های قرآن مانند «إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ؛ من زنی را یافتم که بر آنان پادشاهی می‌کند و از هر چیزی به او داده شده و او را تختی است بزرگ» (نمل: ۲۳)، شاهد کاربست این تعبیر «مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» هستیم، در حالی که هیچ مفسری از این بخش آیه، اطلاق و عمومیت را برداشت نکرده است. رشید رضا در عین

۱. «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ دِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ».

تأکید بر نادرستی این نظریه، می‌کوشد تا توجیهی خردپذیر و سازگار با نظریه خود از این فهم تفسیری ارائه دهد. وی در تحلیل نظریه یادشده می‌نویسد: بدون تردید پیروان این نظریه هرگز نمی‌توانند اثبات کنند که این دانش‌ها باصراحت و وضوح در قرآن بیان شده‌اند؛ از این رو نظریه جامعیت حداکثری در باب گسترده قرآن، تنها زمانی توجیه‌پذیر است که گفته شود، همه دانش‌ها به صورت بالقوه در قرآن آمده، نه بالفعل. نیز زمانی خردپذیر است که گفته شود: تنها افراد خاصی قادرند به این دانش‌ها دست یابند (رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۳۳۰).

رشید رضا در ذیل آیه ۳ سوره مائده^۱ درباره اکمال و جامعیت دین به تفصیل مباحثی ارائه می‌کند. وی در آغاز، سخنی از شاطبی صاحب کتاب موافقات نقل می‌کند که چگونه قرآن بیانگر هر چیزی است، سپس برخی آیات را مانند «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹)، «مَا قَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ» (انعام: ۳۸) و «يَهْدِي لِّلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (اسراء: ۹) یاد آور می‌شود که مضمون این آیات بازگوکننده جامعیت و کمال دین هستند؛ سپس به شرح و بسط این آیات پرداخته، نشان می‌دهد چگونه تعالیم قرآنی کامل‌اند، وی افزون بر آیات، با استناد به برخی احادیث نبوی به تبیین جامعیت قرآن و واکاوی و پاسخ به شبهه‌هایی می‌پردازد که درباره جامعیت به معنای مورد نظر وی مطرح شده است و در پایان می‌نویسد: خداوند دین خود را با قرآن و بیان پیامبر اکرم تکمیل کرده است و با وجود بیان پیامبر و تصریح و تأکید قرآن برای مراجعه به آن حضرت، رجوع به دیگران، مجاز نخواهد بود. وی در ادامه یادآور می‌شود پس از رحلت پیامبر عالمان مسلمان مرجع فهم احکام دینی و استنباط دستورهای الهی خواهند بود؛ بدین سان صاحب المنار جامعیت قرآن را در مقوله هدایت و مربوط به توحید، معاد و جهت‌دهی در امور دنیایی می‌داند و نظریه کسانی که قرآن را حاوی همه علوم دانسته‌اند، به شدت انکار می‌کند و بر این نکته تأکید می‌ورزد که: قرآن به دلالت نص یا فحوا، فاقد بیان همه فروع احکام عبادی است؛ اما با استناد به فرمان خداوند در قرآن «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»

۱. «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ».

(حشر: ۷) و لزوم پیروی از دستورهای رسول اکرم به مثابه فرامین الهی، می توان به همه احکام عبادی و جز آن دست یافت؛ از آن رو که براساس آیات متعدد قرآنی (حشر: ۷؛ نساء: ۷۳ و ۵۹) پیروی از دستور پیامبر اکرم در حقیقت پیروی از دستور خدا است (رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۱۷۱).

نتیجه گیری

از آنچه گفته شد نتایج ذیل به دست می آید:

۱. تعیین مرز داده های قرآنی (گستره مرجعیت قرآن) از بحث های مهم قرآن شناختی و از مهم ترین مبانی تفسیر است. این مطلب وابسته به پاسخ به این پرسش اساسی است که «آیا داده های قرآنی به موضوعات محدودی اختصاص یافته اند یا حوزه های گوناگون دانش بشری را در بر می گیرند».
۲. این پرسش - به ویژه در مباحث کلام جدید - درباره دین نیز مطرح شده است که «آیا آموزه های دینی به مسائل ارزشی و اخلاقی محدود می شوند یا شامل همه مسائل زندگی فردی و اجتماعی انسان و حقایق عینی، دنیایی و آخرتی نیز خواهند شد».
۳. با توجه به آیات و روایات پرشمار در باب جامعیت قرآن، همه قرآن پژوهان پیشین و معاصر، جامعیت قرآن را پذیرفته اند؛ اما در تبیین معنای آن، شاهد سه نظریه «جامعیت حداکثری»، «جامعیت حداقلی» و «جامعیت در حوزه هدایت دنیایی و آخرتی» هستیم.
۴. بسیاری از قرآن پژوهان سترگ مسلمان به ویژه معاصران در باب گستره علمی قرآن ضمن پذیرش جامعیت قرآن، از جامعیت، تبیینی سازگار با هدف نزول قرآن ارائه می دهند و قرآن را از آن رو کامل و جامع می دانند که در آن تمامی، اصول، مبانی، قواعد و روش های مربوط به هدایت و سعادت انسان در دنیا و آخرت بازگو شده است.

۵. رشید رضا بر این باور است که هر آنچه مربوط به شریعت است، در قرآن بیان شده است، و هر کس به قرآن آگاهی داشته باشد، به شریعت نیز آگاه است. وی قرآن را کتاب هدایت برای جهانیان معرفی می‌کند و معتقد است قرآن مشتمل بر دین و هدایت جهانیان و بیان آن چیزی است موجب اصلاح و سامان بخشی امور دنیا و سعادت و رستگاری جهان آخرت می‌شود.

۶. برخی مفسران بر آن‌اند که آموزه‌های قرآن مشتمل بر همه دانش‌های بشری است و نیز همه رخداد‌های کلی و جزئی گذشته، حال و آینده بی‌هیچ کاستی در قرآن ثبت شده است. رشید رضا ضمن اذعان به نادرستی این نظریه، آن را سخنی هذیان‌گونه و ناستوار می‌داند.

فهرست منابع

* قرآن.

* نهج البلاغه. (ترجمه: محمد دشتی). تهران: انتشارات زهد.

۱. ابن فارس، احمد. (۱۴۱۱ق). معجم مقاییس اللغة. بیروت: دارالجليل.
۲. ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. (چاپ سوم). بیروت: دار صادر.
۳. انوری، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.
۴. بازرگان، مهدی. (۱۳۸۸). مجموعه آثار. بعثت (۲). تهران: شرکت سهامی انتشار.
۵. بخاری، محمد بن اسماعیل. (بی تا). التاريخ الكبير. بیروت: دارالفکر.
۶. خمینی، روح الله. (۱۳۶۱). صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی. تهران: سروش.
۷. خمینی، روح الله. (۱۳۷۳). انوار الهدایه فی التعلیقہ علی الکفایه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۸. خمینی، روح الله. (۱۳۹۴). ولایت فقیه. (چاپ بیست و نهم). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۹. خمینی، روح الله. (بی تا). کشف اسرار. [بی جا]: [بی نا].
۱۰. خوبی، ابوالقاسم. (۱۳۹۴ق). البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۱. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت نامه. تهران: دانشگاه تهران. مؤسسه لغتنامه دهخدا.
۱۲. رشیدرضا، محمد. (۱۴۱۴ق). تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار. (چاپ سوم). بیروت: دارالمعرفه.
۱۳. روآ، الیویه. (۱۳۷۸). تجربه اسلام سیاسی. (ترجمه: محسن مدیر شانه چی و حسین مطیعی امین). تهران: الهدی.
۱۴. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۱۷ق). الکشاف. عن حقائق التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التأویل. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۵. سروش، عبدالکریم. (۱۳۷۳). قبض و بسط تئوریک شریعت. (چاپ سوم). تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
۱۶. سروش، عبدالکریم. (۱۳۷۴). مدارا و مدیریت. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
۱۷. سروش، عبدالکریم. (۱۳۸۵). بسط تجربه نبوی. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
۱۸. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر. (۱۴۰۸ق). معترك الاقتران فی اعجاز القرآن. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۹. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر. (بی تا). الاتقان فی علوم القرآن. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۰. صدوق، محمد بن علی. (۱۴۰۳ق). معانی الاخبار. (تصحیح: علی اکبر غفاری). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۱. ضیایی فر، سعید. (۱۳۸۲). جایگاه مبانی کلامی در اجتهاد. قم: بوستان کتاب.
۲۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۲). المیزان فی تفسیر القرآن. (چاپ پنجم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. طبرسی، فضل بن الحسن. (۱۴۰۸ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. (چاپ دوم). بیروت: دارالمعرفة.
۲۴. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۲۰ق). جامع البیان عن تأویل آی القرآن. بیروت: دار ابن کثیر.
۲۵. طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۹ق). التبیان فی تفسیر القرآن. قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.
۲۶. عوده، عبدالقادر. (بی تا). التشریح الجنایی الاسلامی مقارنا بالقانون الوضعی. بیروت: دارالکاتب العربی.
۲۷. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). القاموس المحیط. (ج ۳). بیروت: مدرسه الرساله.
۲۸. فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی. (تحقیق حسین اعلمی). (چاپ دوم). تهران: انتشارات الصدر.
۲۹. قادری، حاتم. (۱۳۷۸). اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران. تهران: سمت.
۳۰. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.

References

* *The Quran*.

* *Nahj al-Balaghah*, translated by Mohammad Dashti, Tehran: Zohd Publications.

1. Anvari, H. (1381 SH). *Farhang Bozorg Sokhan*, Tehran: Sokhan. [In Persian]
2. Bazargan, M. (1388 SH). *Collection of works: Besat (2)*, Tehran: Enteshar Joint Stock Company. [In Persian]
3. Bukhari, Muhammad ibn Ismaeil. (n.d.). *Al-Tarikh al-Kabir*, Beirut: Dar al-Fikr.
4. Dehkhoda, A. A. (1373 SH). *Dictionary*, Tehran: University of Tehran, Dehkhoda Dictionary Institute. [In Persian]
5. Feyz Kashani, M. M. (1415 AH). *Tafsir Al-Safi*, research: Hossein Alami, second print, Tehran: AL-Sadr Publications. [In Arabic]
6. Firoozabadi, Muhammad ibn Ya'qub. (1407 AH). *Al-Qamus Al-Muhit*, vol. 3, Beirut: AL-Rasala School. [In Arabic]
7. Ghaderi, H. (1378 SH). *Political Thoughts in Islam and Iran*, Tehran: Samt. [In Persian]
8. Ibn Faris, A. (1411 AH). *Mojam Maqaees al-Loqat*, Beirut: Dar al-Jail. [In Arabic]
9. Ibn Manzur, Muhammad ibn Mokaram. (1414 AH). *Lisan al-Arab*, third print, Beirut: Dar Sader. [In Arabic]
10. Khomeini, R. (1361 SH). *Sahifa Noor: Imam Khomeini's Guide Collection*, Tehran: Soroush. [In Persian]
11. Khomeini, R. (1373 SH). *Anwar Al-Hedayeh Fi Al-Taliqah Ala AL-Kifayah*, Tehran: The institute for Preparation and Publications of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
12. Khomeini, R. (1394 SH). *Velayat-e Faqih*, 29th print, Tehran: The institute for Preparation and Publications of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
13. Khomeini, R. (n.d.). *Discovery of Secrets*.
14. Khoei, Abolghasem (1394 AH). *AL-Bayan Fi Tafsir AL-Quran*, Beirut: Muasibat AL-A'jami le Matbu'at. [In Arabic]
15. Majlisi, M. B. (1404 AH). *Bahar al-anwar*, Beirut: AL-Wafa Institute. [In Arabic]

16. Odeh, A. Q. (n.d.). *al-Tashri' al-Jena'ei al-Islami Moqarena be al-Qanun al-Waz'ei*, Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah.
17. Rashid Reza, M. (1414 AH). *Tafsir al-Quran al-Hakim al-Shuhair be Tafsir al-Minar*, third print, Beirut: Dar al-Ma'rifah. [In Arabic]
18. Roa, O. (1378 SH). *The Experience of Political Islam*, translated by Mohsen Modir Shanehchi and Hossein Motiee Amin, Tehran: AL.Huda. [In Persian]
19. Saduq, Muhammad ibn Ali. (1403 AH). *Ma'ani al-Akhbar*, edited by Ali Akbar Ghaffari, Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
20. Soroush, A. (1373 SH). *Theoretical Development and Expansion of Sharia*, third print, Tehran: Serat Cultural Institute. [In Persian]
21. Soroush, A. (1376 SH). *Tolerance and Management*, Tehran: Serat Cultural Institute. [In Persian]
22. Soroush, A. (1385 SH). *Expansion of Prophetic Experience*, Tehran: Serat Cultural Institute. [In Persian]
23. Suyuti, Jalal al-Din Abd al-Rahman ibn Abi Bakr. (n.d.). *Al-Atqan Fi Uloom Al-Quran*, Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah.
24. Suyuti, Jalaluddin Abd al-Rahman ibn Abi Bakr. (1408 AH). *Mu'tarak al-Aqtaran fi Ijaz al-Quran*, Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah. [In Arabic]
25. Tabari, Muhammad ibn Jarir. (1420 AH). *Jame 'al-Bayan an Tawil Ay al-Qur'an*, Beirut: Dar Ibn Kathir. [In Arabic]
26. Tabarsi, Fazl Ibn AL.Hassan. (1408 AH). *Majma 'Al-Bayan Fi Tafsir AL-Quran*, second print, Beirut: Dar AL-Ma'rifah. [In Arabic]
27. Tabatabai, S. M. H. (1372 SH). *AL-Mizan Fi Tafsir AL-Quran*, fifth print, Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Persian]
28. Tusi, Muhammad ibn al-Hasan. (1409 AH). *AL-Tibyan Fi Tafsir al-Quran*, Qom: Maktab al-A'lam al-Islami. [In Arabic]
29. Zamakhshari, Mahmoud Ibn Umar. (1417 AH). *AL-Kashaf, an Haqayeq AL-Tanzil va Ayoun AL-Aqawil Fi Wajooth AL-Tawil*, Beirut: Dar ALihya AL-Torath ALArabi. [In Arabic]
30. Ziaefar, S. (1382 SH). *The place of theological foundations in ijihad*, Qom: Bustan Ketab. [In Persian]